

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مردم سندج در یک اقدام بی سابقه طی طوماری با امضای بیش از ۲۰۰۰ نفر از جمعهای مختلف مردم و اشخاص آزادیخواه و تشکلهای کارگری خواهان آزادی و معالجه فوری محمود صالحی، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و توقف اخراج ها شدند

بیش از ۲۰۰۰ هزار نفر از افراد آزادیخواه و تشکل کارگری و جمععات مردم سندج طی طوماری خواهان آزادی و معالجه فوری محمود صالحی دبیر سندیکای خبازان شهر سقز شدند.

* در قسمت اول این طومار که بیش از دو هزار امضا دارد همچنین از اخراج کارگران و عدم پرداخت دستمزدهای کارگران بشدت ابراز نگرانی شده و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و مزایای کارگران شده اند.

* در این طومار همچنین از مبارزه مداوم کارگران جهاد تعاون و جهاد نصر و بخشهای مختلف کار حمایت شده است.

* این طومار با امضا و اسامی واقعی از طیفهای مختلف مردم از جمله نساجی، آرایشگر، شیر پاستوریزه، جوشکار، خیاط، مکانیک و کارگران بخشهای مختلف شهرک صنعتی، کارگران شرکت نفت، نقاشان، شهرداری، ساختمانی، برق، قالی باف، و تراشکار، دانشجویان و دانش آموزان، زنان، کارگران تودوزی و... و با مهر بعضی از تشکلهای کارگری در سندج تهیه شده است.

* نسخه هائی از این طومار برای رئیس جمهور، مدیر

از مسائل محوری مردم در مبارزه با حکومت اسلامی تبدیل شده است.

در طومار کارگران و مردم آزادیخواه سندج علاوه بر این به عدم پرداخت دستمزدها و مزایان کارگران و اخراج کارگران اعتراض شده است. این قطعنامه گام مهمی در پیشروی کارگران و مردم سندج در مقابل سرکوبگری حکومت اسلامی و اجحافات علیه کارگران بوده و میتواند مورد حمایت تمامی مراکز کارگری و محافل و جریانات آزادیخواه قرار گیرد. حمایت کارگران در سراسر ایران از این قطعنامه، همبستگی و اتحاد کارگری را یک گام مهم ارتقا داده و به قدرتمند شدن جبهه کارگری در مقابل جمهوری اسلامی و کارفرمایان کمک خواهد کرد.

کارگران، مردم مبارز! ادامه مبارزه برای آزادی محمود صالحی و طرح مطالبات و خواستههای مختلف را در اشکال و به شیوه های گوناگون ادامه دهید. طومار ۲۰۰۰ نفری مردم سندج را به طوماری ۲۰۰ هزار نفره تبدیل کنید.

محمود صالحی فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردد!

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ آذر ۱۳۷۹ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۰

اداره کار، استانداری کردستان، وزیر کار، وزارت کشور و اکثر روزنامه های سراسری و محلی در ایران ارسال شده است.

حکومت اسلامی همچنان محمود صالحی را در زندان نگه داشته است و اخیرا او را به زندان سندج برده است. در مقابل این اقدام حکومت اسلامی کمپینی بین المللی و گسترده توسط حزب کمونیست کارگری در دفاع از محمود صالحی براه افتاد و همزمان در داخل ایران و در شهرهای مختلف اعتراضات گسترده ای توسط بخشهای مختلف کارگران و مردم آزادیخواه با خواست آزادی فوری محمود صالحی شروع شد. از جمله در شهرهای سقز، سندج، مریوان، بوکان، نقده، اشنویه، بیرانشهر، کامیاران، تهران و زنجان با بیانیه ها و قطعنامه های متعددی، کارگران و مردم آزادیخواه خواهان آزادی محمود صالحی شدند. خواست آزادی محمود صالحی اکنون به یکی

اعتراضات کارگران کارخانه گریزه سندج ادامه دارد

صالحی ابراز کردند. مسولین رژیم تا کنون غیر از وعده در جواب به خواستههای کارگران کار دیگری نکردند. اقدامی دیگر نکرده اند. کارگران مصمم به ادامه اعتراضشان هستند. نماینده کارگران به وزارت کار و مرکز جهاد تعاون در تهران مراجعه کرده است.

تا ۱۲ در جلو استانداری تجمع کردند و امروز از ساعت ۸ و نیم تا ۱۰ در جلو دفتر نمایندگی ولایت فقیه (موسوی) تجمع کردند خواستار بیمه بیکاری مزایای دو سال گذشته و حقوقهای معوقه شان شدند. در این تجمعها همچنین کارگران پشتیبانی خود را از مبارزه برای آزادی محمود

کارگران کارخانه گریزه در چند جلسه مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند تا احقاق حقوقشان به اعتراضات خود ادامه دهند.

در این رابطه سه شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۷۹ و روز چهارشنبه ۲۳ آذر کارگران جهاد تعاون - کارگران کارخانه گریزه از ساعت ۸

در میان سرگردانی

و بلاتکلیفی

صفحه ۳

معرفی سندیکای

خبازان سقز

صفحه ۴

رادیو اترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: حسین مرادیگی

تلفن:

۰۰۴۶ ۷۰ ۷۷۷ ۸۰۹۸

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو ۱۶۷۸۴۷۱_۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اخباری از وضعیت زندگی و مبارزه کارگران و گزارش کوتاهی در مورد وضعیت کارگران، اخراج و بیکاری سازی آنان در شهر سنندج

کارگران شرکت کوشک که مربوط به سازمان همیاری است مدت ۵ الی ۶ ماه است به وضع خود اعتراض دارند. در این شرکت تعدادی از کارگران را قبلاً باخبر کرده اند. کارگران این شرکت ۵ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند. ۱۵ روز پیش ۴۰ نفر از کارگران این شرکت در اداره کار جمع شده و خواهان حقوق معوقه شان میشوند. نماینده کارگران مرتباً به اداره کار سر میزنند. اما هنوز جوابی نگرفته اند. در کارخانه شاهو ۲۵ کارگری که اخراج شده بودند هنوز سر کار میروند اما وضع کار در این کارخانه روشن نیست و کارگران بعلت ناروشن بودن وضعیت کاری مدام در انتظار اخراج هستند.

در کارخانه میخ و زیروار هم وضع بهمین ترتیب است. در این دو کارخانه نیز کارگران با بیکارسازی و اخراج روبرو هستند، باخبر کردن کارگران وجود دارد ضمن اینکه اعتراضات پراکنده کارگران به این وضعیت نیز وجود دارد. کارگران به شورای اسلامی و به روزنامه ها نامه نوشته نوشته اند لیکن مطابق نتیجه ای نگرفته اند. کارخانه نمک کوبی بلورین نیز حدود سه ماه است تعطیل شده است و همه کارگران آن که ۱۲ نفر بودند بیکار شده اند. کارگران بیکار شده برای گرفتن حق و حقوق معوقه خود مرتباً به اداره کار مراجعه میکنند. لیکن هنوز به خواست آنان رسیدگی نشده است.

نمایندگان سندیکای خبازان، خواهان آزادی محمود صالحی شدند

نمایندگان سندیکای خبازان در جلسه ای با کمیسیون کار استانداری استان کردستان و مدیریت امنیتی خواهان آزادی محمود صالحی شدند. هفته گذشته در نشست نمایندگان سندیکای خبازان استان کردستان با کمیسیون کار این استان و مدیریت امنیتی آن، خواهان آزادی محمود صالحی شدند. نمایندگان رژیم در پاسخ اظهار داشتند که محمود صالحی بدلیل فساد اخلاقی بازداشت شده است. نمایندگان رژیم به نمایندگان سندیکای خبازان استان کردستان گفته اند که شما در این کار نباید دخالت کنید. نمایندگان کارگران در پاسخ از آنها خواسته اند تا دادگاهی تشکیل دهند و این گفته های خود را در دادگاه تکرار کنند.

گرانی سرسام آور دارو

اعتراض به گران بودن دارو هر روز بیشتر و بیشتر میشود. وضع از این لحاظ دارد بدتر میشود دارو خیلی گران است و مردم و بویژه مردم تهیدست و محروم از دست یافتن به دارو محرومند. در هفته گذشته در اعتراض به گرانی دارو جمعی در جلو حسابداری بیمارستان محمد رسول الله (که در میان مردم به محمدزده شهرت یافته است) صورت گرفت

و در ادامه خواستهای کارگران با استانداری در میان گذاشته میشود.

در این ساعت در استانداری جلسه ای بین رئیس کل زندانهای رژیم و استاندار بر سر مساله محمود صالحی در جریان بوده است. آنها میترسند که تجمع جلو استانداری به زندانی بودن محمود صالحی مربوط باشد. حین رفتن ماشین رئیس اداره زندانها، اقبالپور معاون استاندار با خبرنگاران درگیر میشود. نیروهای انتظامی با دو تیویتا و دو مینی بوس خود را به محل میرسانند و به تجمع کارگران و مردم حمله میبرند و از کارگران میخواهند که به جلو اداره کار بروند. استاندار میگوید که مساله آنها مربوط به اداره کار است. کارگران بعد از چهار ساعت تجمع در جلو استانداری متفرق میشوند.

اداره کار در پاسخ به خواست کارگران حکم میدهد که به سر کار برگردند اما آنها میدانند که این حکمی توخالی است و به آنها تنها وعده و وعید داده میشود. کارگران همچنین خواستار بیمه بیکاری هستند و میخواهند که مقامات رژیم به آنها جواب بدهند. کارگران به همه روزنامه ها و وزارت کشور و استانداری استان دوباره نامه نوشته اند. مدیر عامل کارخانه علوی و بهروزی میباشند. سهامدار اصلی شخصی بنان فهمیده است که ۳۳٪ از سهام شرکت را داشته است و شکایت متوجه او میباشد.

به حزب کمونیست

کارگری ایران

پیوندید

پوشش آن مشغول به چپاول بوده اند) قرار داشته است. این شرکت بویژه در زمان جنگ ایران و عراق سازنده سنگرهای بتنی بوده است. کارگران این کارخانه در یک تجمع اعتراضی خواستار ۵ ماه حقوق معوقه خود شده اند. این کارگران هر کدام ۲۰ تا ۲۲ سال سابقه کار دارند. آنها میخواهند که حق و حقوق آنها در زمینه اضافه کاریها در دو سال گذشته و اضافه دستمزد و حق ماموریت پرداخت نشده به آنها پرداخت شود. در شکایاتی که مرتباً از سوی این کارگران صورت میگرفته اداره کار حکم بازگشت به کار کارگران را داده است. اما صاحبان کار، وسایل برقی کارخانه اعم از دستگاههای تراش و مته را فروخته و کارخانه را تعطیل کرده اند. در نتیجه کارگرانی که به سر کار برمیگردند، هیچ ابزار کاری وجود ندارد که با آن بتوانند کار کنند. اعتراض به این وضع بوسیله ۵۷ کارگر باقی مانده مرتباً ابراز میشده است. این اعتراض اکنون نیز ادامه دارد و کارگران نامه هایی به وزارت کار، خانه کارگر و ریاست جمهوری نوشته اند. ریاست جمهوری جواب داده که باید کارگران به سر کار برگردند و وضعیتان روشن شود. اما جهاد مسئولیت این کار را بعهده نگرفته است. کارگران در ادامه اعتراض خود روز پنجشنبه ۱۰ آذر یک مجمع عمومی برگزار کرده و تصمیم میگیرند برای رساندن اعتراض خود روز شنبه به استانداری بروند و بدین منظور ۳۰ نماینده انتخاب میکنند. روز شنبه ۱۲ آذر ساعت ۹ صبح کارگران جلو استانداری تجمع میکنند. خبرنگارانی از روزنامه های سراسری و محلی در محل حضور داشته و تعدادی از مردم نیز به تجمع کارگران افزوده میشوند.

۳۸ نفر از کارگران جهاد نصر در سنندج که از مدتی قبل اخراج شده بودند مبارزه برای بازگشت به کار را شروع کردند. این تصمیم در یک تجمع این کارگران گرفته شد. این تعداد که بیشتر رانندگان این شرکت بوده اند در شکایتهای متعددی که به مراکز و وزارتخانه های مختلف رژیم کرده اند حکم بازگشت به کار را دریافت کرده اند اما از بازگشت به کار خبری نیست.

این کارگران همچنین از ۶ ماه قبل حقوق خود را نیز نگرفته اند و عدم پرداخت حقوق هم یکی دیگر از موارد اعتراض این کارگران است.

۸۰ کارگر قراردادی شهرداری شهر سنندج از کار اخراج شده اند.

طبق طرح تعدیل این کارگران شهرداری اخراج شده اند. اعتراض این کارگران به اخراج از شهرداری این شهر ادامه دارد.

تجمع کارگران کارخانه گریزه سنندج در جلو استانداری

کارخانه گریزه که سازنده ماشین آلات کشاورزی بوده است قبلاً دارای ۱۲۷ کارگر بود. در مرحله ای ۷۵ نفر از کار باخبر شده و بعداً کارخانه از طرف سرمایه داران تعطیل میشود و در ۵ ماه اخیر دستمزدی به کارگران پرداخت نشده است. این کارخانه تحت پوشش جهاد تعاون (بخشی از جهاد سازندگی که تحت

در میان سرگردانی و بلاتکلیفی

حسین مرادیگی (حما سور)



جامعه مدنی، با ثبات، و بدور از خفقان و زور و سرکوب و بدون بازگشت مجدد سلطه رژیم بعث را دارند و خواهان پایان دادن به این سرگردانی و بلاتکلیفی ای هستند که اکنون بیش از ده سال است مطابق مصلحت سیاسی روز آمریکا و دولتهای غرب بکممک احزاب ناسیونالیست کرد بر آنان تحمیل شده است، سیاستی که همه قرائن نشان میدهد کم کم دارد به پایان خط خود میرسد. ■

زده اند و از هم اکنون نیز میدانند که در صورت بازگشت سلطه رژیم بعث و از دست دادن تیول خود کجا جا خوش خواهند کرد. در حالیکه توده مردم آزادیخواه کردستان عراق توقع یک

جمهوری اسلامی "عابد" میشود، ردای اسلام سیاسی به تن میکند و ادعای امامت سیاسی به شیوه مرتجعین اسلامی ایران را دارد. به همه اینها باید خراب شدن خانه و کاشانه مردم و از دست دادن عزیزان آنان را بر اثر جنگهای کوتاه و میان طولانی مدت احزاب ناسیونالیست کرد علیه هم و یا علیه اپوزیسیون دولتهای ارتجاعی منطقه افزود که هر بار به دستور و بنا به مصلحت یکی از این دولتهای مرتجع، بویژه جمهوری اسلامی و حکومت کمالیستی ترکیه شروع شده و خانه خرابی و کشت و کشار وسیعی را بر مردم کردستان عراق که در همچو شرایط سختی بسر میبرند، تحمیل میکند. مجموعه این شرایط زندگی و آینده سیاسی مردم کردستان عراق را با مخاطرات جدیای رویرو کرده است. آنچه که در این میان برای احزاب ناسیونالیست کرد مطرح نیست، مساله رفاه و آسایش و امنیت اجتماعی و آینده سیاسی این مردم است. برای این کدخداها امروز را به فردا کردن و پر کردن جیب خود بقیمت تحمیل کشتار و سخت ترین شرایط بر مردم کردستان و سپس به چاک زدن و در رفتن آنان در صورت بازگشت سلطه بعث به کردستان عراق، مهمترین مشغله روز است. آنها به مشابه گماشته دولتهای غرب و کشورهای ارتجاعی منطقه، منافع و مصلحت سیاسی خود را به منافع و مصلحت سیاسی روز این دولتها گره

به تنهایی، حتی بدون کمکهای سازمان ملل، سر به ۱۰ میلپر دلار در سال میزند که روانه جیب رئیس عشیره و سران و خانواده های این احزاب شده و صرف نیروی نظامی و دم و دستگاه زور و سرکوب این کدخداهای مسلح میشود. قرار بود با برچیدن دستگاه سرکوب و خفقان رژیم بعث از کردستان، مردم از دست امن و استخبارات و خفقان و سرکوب رژیم بعث راحت شوند، در حالیکه بساط خفقان و زور و سرکوب همچنان برقرار است. از آزادی بیان و عقیده نه تنها خبری نیست، بلکه با زور و سرکوب جلو آن گرفته میشود. در مناطق پارتی سیستم کنترل پلیسی کاملاً به شیوه رژیم بعث برقرار است. حتی نیروی انتظامی حکومت "خودمختار" آینده پارتی به شیوه نیروهای انتظامی رژیم بعث سازمان یافته است تا نشان داده شود که رونوشت برابر اصل است. در منطقه تحت حاکمیت اتحادیه میهنی، فعالیت کمونیستی و چپ تماماً قدغن شده است. مقرهای حزب کمونیست کارگری عراق، سنتر دفاع از زنان تهدید شده، دفتر اتحادیه مستقل زنان کردستان و مرکز نگاهداری کودکان بی سرپرست با یورش نظامی و کشتار بسته میشوند، در عوض فعالیت اوباش اسلامی وابسته به رژیم اسلامی ایران گسترش پیدا کرده و هر روز بر تعداد حسینییه ها به شیوه رژیم اسلامی ایران، افزوده میشود. جلال طالبانی برای خوشخدمتی به سران در حال احتضار

مسئله بلاتکلیفی و سرگردانی مردم کردستان عراق، نگرانی از آینده ناروشن و اینکه سرانجام سرنوشت سیاسی آنها چه خواهد شد، همچنان به قوت خود باقی است. بازگشت سلطه حکومت بعث، تهدیدات دائمی این رژیم جنایتکار به تمرکز قوا و یورش نظامی به کردستان عراق همچون شمشیر داموکلس بر فراز سر این مردم آویزان است. روزانه صدها نفر بخاطر بیکاری و شرایط سخت زندگی و بیم از آینده نامطمئن خود را به کام مرگ میاندازند، تا بلکه بتوانند خود را به کشور دیگری برسانند. چند میلیون نفری نیز که باقی مانده اند با شرایط سخت زندگی، کمبود آب، قطع مداوم برق و در مواردی عدم برق در شهرهای بزرگی مانند اربیل و غیره، کمبود سوخت بویژه در زمستان، کولر که هیچی، حتی کمبود شدید یخ در تابستان و دهها مشکل دیگر از قبیل عدم ارتباط تلفن و انترنت با دنیای خارج و کلا از هم گسیختن شیرازه جامعه مدنی دست و پنجه نرم میکنند. به همه اینها باید فشار روزانه سیاسی و اجتماعی احزاب "حاکم" ناسیونالیست کرد را نیز اضافه کرد که زندگی را بر توده مردم کارکن و آزادیخواه مردم کردستان عراق سخت تر و سخت تر کرده است. احزاب "حاکم" ناسیونالیست کرد هیچ تعهدی در قبال زندگی مردم کردستان بعهد نگرفته اند و این در حالی است که در آمد این احزاب

بخشهایی از اطلاعاتی دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق در مورد دستگیر و زندانی کردن رفقا هیوا احمد و فلاح احمد توسط اتحادیه میهنی

برای آزادی هیوا احمد و فلاح احمد از شکنجه گاهای جلال طالبانی اقدام کنید!

مردم آزادیخواه!
احزاب و تشکلهای کارگری و سوسیالیست!
مدافعین آزادی و حقوق بشر!
هیوا احمد عضو کمیته رهبری تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری عراق حدود دو ماه است و فلاح احمد کادر حزب هم حدود یک ماه است که در شکنجه گاهای جلال طالبانی در بدترین و غیر انسانی ترین شرایط بسر میبرند. این رفقا به اعتراف خود حزب طالبانی صرفاً بخاطر فعالیت سیاسی زندانی شده اند. هفته نامه "الاتحاد" که روزنامه رسمی جلال طالبانی و اتحادیه میهنی است، در مورد دستگیر کردن رفیق هیوا احمد آشکارا اعلام داشته است که بخاطر جرم سیاسی و بخاطر پخش کردن اطلاعاتی حزب علیه "حکومت منطقه کرد" دستگیر و زندانی شده است. این اعتراف روزنامه "الاتحاد" اعترافی است آشکار به سرکوب آزادیهای سیاسی و حقوق انسان و پرده از روی ریاکاریهای اینها در مورد آزادی و احترام به حقوق بشر، برمیدارد.
ما همه آزادیخواهان در کردستان و سراسر جهان را برای دفاع از آزادی و حقوق بشر و اعتراض علیه این سرکوب و دیکتاتوری جلال طالبانی فرامیخوانیم. دفاع از رفقای زندانی ما، یک وظیفه انسانی و بمعنی دفاع از آزادی و حقوق اولیه هر انسانی است. از مبارزه حزب کمونیست کارگری عراق برای آزادی فوری و بی قید و شرط رفقای ما پشتیبانی کرده و با فرستادن نامه اعتراضی به جلال طالبانی و دفاتر و نمایندگی اتحادیه میهنی در کشورهای مختلف سرکوب و دیکتاتوری اینها را محکوم کرده و آنها را مجبور کنید که به امر آزادی و حقوق بشر احترام بگذارند.
دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق
۱۱-۱۲-۲۰۰۰

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مختصری در معرفی سندیکای خبازان سقز

(قسمت دوم)



خالد حاج محمدی

سال ۷۸ توانست ۱۰۰۰ نفر و در ۷۹، ۲۰۰۰ نفر را در مراسم خود که هر دو سال در سالن کاوه برگزار شد جمع کند که خود به اعتماد به نفس بیشتر کارگران و توان و نیرویشان و به همدلی و احساس همسرنوشتی آنان کمک شایانی کرد. ضمناً بدنبال دستگیری و زندانی کردن محمود صالحی در ۷ شهریور ۷۹ کارگران متشکل در سندیکا طی

طوماری با امضای ۱۸۰ نفر که برای مقامات رژیم ارسال کردند خواهان آزادی فوری و معالجه او شدند و بدنبال جمعی از آنان با تعدادی از مردم شهر روز ۲۴ آبان به فرمانداری رفته و خواهان آزادی فوری او شدند.

این تشکل تا کنون ۷۰۰ نفر از کارگران نانوایهای شهر سقز را در خود متشکل کرده است. کل تلاشهای خبازان که در دور دوم فعالیتش محمود صالحی به عنوان دبیر آن از جانب کارگران انتخاب شده است، همچنان که به آن اشاره شد، نقش بسیار مثبتی در شرایط کار و زندگی کارگران این شهر و خصوصاً کارگران نانوایی داشته است. فعالیتهای این تشکل علی‌رغم جو پلیسی و حاکمیت رژیم ارتجاعی و ضد کارگر چون جمهوری اسلامی، نقطه اتکایی برای کارگران این شهر در تناسب قوای آنها با صاحبکاران و رژیم بود و مایه دلگرمی و نقطه امید آنها بوده است و در عین حال مورد دفاع اکثریت مردم شهر سقز نیز بوده است. ***

دهد و قرار است از اواخر این ماه زمینها به آنان واگذار شود. در جریان تعیین هیئت تشخیص و حل اختلاف، این تشکل با فشار توانست دبیر خود یعنی محمود صالحی و یکی دیگر از فعالین خود را در این هیئت جا دهد. در جریان تلاش رژیم برای معافیت کارگاههای کوچک از قانون کار، خبازان سقز اعتراضات زیادی و از جمله ارسال نامه‌های اعتراضی به مسئولین رژیم و تا تهدید به تحصن در صورت عملی کردن طرح فوق را پیش برد.

ضمناً انجمن صنفی خبازان یا به زبان رایج آن سندیکا در زنده نگاهداشتن سنت اول ماه مه به عنوان روز قدرت نمایی و اعلام همسرنوشتی کارگران نقش جدی داشته است. مراسمهای اول ماه مه در شهر سقز در دو سال اخیر نمونه‌های بارزی از تلاش کارگران کردستان برای برگزاری اول مه بوده است. سندیکای خبازان سقز در

خود توانستند از سال ۷۵ فروشگاه تعاونی ایجاد کنند تا بدینصورت اعضاء تعاونی بتوانند مایحتاج اولیه خود را از طریق این فروشگاه و با قیمت کمتر خریداری کنند. سندیکا و تعاونی در مواقع ضروری به اعضاء سندیکا می‌دهند. تلاشهای سندیکا باعث شد که مسئولین رژیم در این شهر قبول کنند با مقدار پول کمتری به نسبت بازار قطعه زمینی را برای اعضاء تعاونی دریافت کند. البته لازم به یادآوری است که بعد از پرداخت پول از جانب کارگران در سال ۷۵ به دولت، رژیم تا کنون از پول آنها استفاده و از پرداخت زمینهای مقرر به کارگران خوداری کرده است. کارگران خباز بعد از اعتراضات زیاد در بهار و تابستان ۷۹ و از جمله رفتن دسته جمعی به دخانیات و دیدن مسئول تعاونی مسکن در ۲۴ مرداد ۷۹ و اخطار به او و تهدید به تشدید مبارزه و اعتراض، مسئولین رژیم را مجبور کردند که به خواست آنان تن

شد، یعنی کارگرانی که به نسبت رفقای خود دستمزد کمتر دریافت میکردند توانستند حداقل دستمزدهای خود را به آن سطح برسانند. برای نمونه در سال ۷۳ دستمزد یک شاطر از ۹۰۰ تومان تا ۱۵۰۰ تومان بود و تلاش سندیکا باعث شد همه شاطرها حداقل ۱۵۰۰ تومان را بگیرند. مسئله دستمزدها کلاً یکی از میدانهای جدال و مشاجره کارگران و سندیکایشان با کارفرما و رژیم بوده است که البته کارگران در این زمینه توانسته اند دستمزدها را در عموم افزایش دهند. از دیگر اقدامات این تشکل تحت فشار گذاشتن رژیم و کارفرمایان برای بیمه کارگران بود که تا آن زمان بیش از ۸۰ درصد آنها بیمه نبودند و اکنون کارگران متشکل در سندیکا از حق بیمه برخوردارند. در حال کارفرما نمیتواند به راحتی کارگران را اخراج کند و یا یکجانبه و بدور از دخالت سندیکا وارد قرارداد و تعیین دستمزد با کارگران شود. همچنین مبارزات کارگران خباز باعث شد که عیدی سالیانه، بن کارگری و تعیین ساعت کار مشخص را به کارفرما و رژیم تحمیل کند و در حال حاضر ۸ ساعت کار به عنوان زمان مقرر کار به رسمیت شناخت شده که قبلاً خبازان با ساعت کار بیشتری همان دستمزد را دریافت میکردند. کارگران خباز در نتیجه مبارزات

در سال ۷۳ بدنبال مشورت و صحبت‌های نسبتاً زیادی که میان طیفی از کارگران نانوای سقز در مورد لزوم متشکل شدن و تجارب گرانهای گذشته آنها و اثرات مثبتی که بر کار و زندگیشان گذاشته بود، برای دومین بار این تشکل اعلام موجودیت کرد. در ۶ سال گذشته تشکل خبازان علی‌رغم کارشکنیها، توطئه‌ها و دستگیری و زندانی کردن چندین باره تعدادی از فعالین آن از جانب جمهوری اسلامی، توانست قوام بگیرد و عملاً خود را به رژیم تحمیل کند و در واقع رژیم مجبور شد گرچه نه رسماً بلکه در عمل چنین تشکلی را به رسمیت بشناسد.

قبل از شروع دور دوم کار سندیکا که این بار با نام انجمن صنفی خبازان شهر سقز فعالیت خود را شروع کرد، یعنی قبل از سال ۷۳، به یمن حاکمیت جمهوری اسلامی، صاحبکاران و دولت توانسته بودند شرایط کار بسیار وحشیانه‌ای را به کارگران تحمیل کنند. اخراج کارگران به میل کارفرما و دستمزد پایین و نا همگون، نداشتن حق بیمه در میان بیش از ۸۰ درصد کارگران خباز از جمله مواردی از این شرایط تحمیل شده به کارگران نانوایی در شهر سقز بودند. در مدت ۶ سال فعالیت سندیکا، یعنی از سال ۷۳ تا امروز این تشکل اقدامات و مبارزاتی را پیش برده که نتایج ملموس آن در زندگی کل کارگران این شهر و بطور مشخص کارگران نانوایی تاثیر زیادی داشت است. با تلاشهای سندیکا حقوق کارگران خباز در کل شهر تقریباً یکسان

سایت های حزب
و نهادهای
نزدیک به حزب
روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.iwsolidarity.com
www.marxsociety.com
www.medusa2000.com
www.kvwpiran.org
www.hambastegi.org

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۸۳۷ ۸۵۵ ۷۳۹ ۰۰۴۶

Fax: 0044 870 133 7209

Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!